

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور م. عثمان تره کی

۱۸ نومبر ۲۰۱۳

جرگه مشورتی برای چه؟!؟

قرار است یکی دو روز آینده برای بحث پیرامون موافقتنامه امنیتی میان افغانستان و امریکا جرگه مشورتی در کابل دایر شود. اعطای امتیاز استقرار پایگاه به یک کشور خارجی به سادگی بخشیدن تحفه چین یا قالیچه به یک دیپلمات نیست. اتخاذ تصمیم در این مورد تأثیرات طویل المدت مثبت یا منفی بر زندگی فرد جامعه به جا می گذارد. حتا شیوه زندگی نسل های آینده را شکل می دهد. معادله قوا را در منطقه دگرگون می کند. از تأثیر این دگرگونی بیش از هر جا افغانستان متأثر می شود.

افغانستان به دلیل حضور قوت های خارجی، فقدان حاکمیت ملی و ادامه جنگ علیه مقاومت در موقف مناسبی برای دادن پاسخ به درخواست امتیاز پایگاه نظامی، به یک کشور درگیر جنگ قرار ندارد. حکومت کابل بحث بر موضوع پایگاه را می باید مشروط به تأمین صلح با مخالفین مسلح می ساخت. بعداً در فضای صلح و سپردن حق حاکمیت به ملت، اراده مردم را از طریق رفرندوم معلوم می کرد و سپس معامله را دنبال می نمود. اکنون مردم در حاشیه قرار گرفته است. جرگه مشورتی در شرایط جنگ، نا امنی و حضور خارجی به هیچ وجه رأی اکثریت مردم را تمثیل نمی تواند. وقتی اراده مردم در دفاع از داعیه به عظمت اعطای پایگاه به یک کشور خارجی تمثیل نشد، ناراضیان توسط کشور های خارجی به مثابه افزار ادامه جنگ مورد استفاده قرار می گیرند. بناءً ضرورت تشکیل جرگه مشورتی در اوضاع فعلی کاملاً منتفی دیده می شود.

یک : وقت طرح موضوع از جانب امریکا

– قوای ائتلاف نظامی بین المللی ظاهراً در حال خروج از افغانستان قرار دارد . امریکا از طریق دریافت امتیاز داشتن پایگاه نظامی در صدد به دست آوردن پاداش از جنگ دوازده ساله افغانستان است . جنگی که به بهای خون افغان های بیگناه معادله جدید قدرت را در دنیای یک قطبی به نفع امریکا شکل داد.

– امریکا مذاکره صلح با مقاومت مسلح را به امید دریافت امتیاز پایگاه از حکومت تحت الحمايه کابل به تعویق انداخته است تا در آینده در صورت از سرگیری مذاکره صلح با مخالفین مسلح، مقاومت در برابر عمل انجام یافته قرار بگیرد. از آن جایی که مخالفین مسلح نه حکومت کابل و نه هم از کیسه خلیفه بخشیدن هایش را به رسمیت می شناسند، در صورت اعطای پایگاه از جانب جرگه به امریکا ، جنگ ادامه می یابد . به موازات ادامه جنگ، دست آویز ضرورت استمرار حضور نظامی از طریق پایگاه به دسترس امریکا قرار می گیرد. امریکا پروگرام ادامه جنگ را

در همین جهت تنظیم کرده است .

- برخورد امریکا با انتخابات آینده در گرو چگونگی تصمیم جرگه مشورتی با موضوع اعطای امتیاز پایگاه قرار دارد : هرگاه امتیاز به دست آمد ، در انتخابات آینده مداخلات وسیعی از جانب شبکه‌های استخباراتی داخلی و امریکائی به نفع کاندید مورد نظر صورت خواهد گرفت .

با دست آویز انتخابات باید حکومتی روی صحنه کشانیده شود که :

- به احترام مواد موافقتنامه امنیتی متعهد باشد.

- توانمندی دفاع از پایگاه های نظامی را در برابر حملات مخالفین مسلح به کمک سربازان و تجهیزات پایگاه، پس از خروج قواء داشته باشد

- به جنگ به ضد آنچه شورشیان نامیده شده است، ادامه بدهد

- به ائتلاف با جگره ماران استمرار ببخشد و دوسیه محاکمه جنایتکاران جنگی داخلی و خارجی را حفظ کند

خلاصه! دریافت امتیاز پایگاه باید از دو مرحله بگذرد : مرحله اول کسب موافقت حکومت موجود . مرحله دوم حفظ پایگاه از جانب حکومت آینده مولود مداخله در انتخابات . دلیل این که چرا امریکا حق دریافت امتیاز پایگاه را تا روشن شدن نتایج انتخابات آینده به تعویق نینداخت این است که نمی خواست انگیزه مداخله غیر مستقیم را در انتخابات آینده با مطالبه امتیاز پایگاه گره بزند: فشار جنگ و مداخله در انتخابات اعتبار متزلزل امریکا را در جنگ افغانستان بیش از پیش خاک و دود می کرد .

در رأس حکومتی که محصول تقلب در انتخابات خواهد بود یکی از سه تن در نظر گرفته شده است : عبدالله که در سمت وزیر خارجه وقت، در آستانه سقوط حاکمیت طالبان، معاهده همکاری امنیتی را با حکومت بوش امضاء کرد (معاهده صلاحیت عام و تام به جان و مال مردم به عساکر امریکائی سپرد و زمینه ارتکاب جنایات بیشمار جنگی را مساعد ساخت) . هرگاه قصد امریکا ادامه جنگ باشد عبدالله بهترین گزینه است.

قیوم کرزی وارث حامد کرزی ، الترنننیم دوم است که منحصراً افزار تعادل قومی در حاکمیت ، به کار گرفته خواهد شد . قیوم کرزی دو امتیاز دارد : یکی استفاده از زمینه مساعد اداری حکومت به قصد تغییر مسیر انتخابات به نفع خود و دیگری تعلق به یکی از اقوام پشتون . این وابستگی برای امریکا همان اهمیتی را دارد که برای شورویان (با نصب نجیب در رأس هرم قدرت) داشت . برای جلوگیری از یک جنگ قومی که ممکن با سر ریزه شدن از جغرافیای افغانستان از کنترل بیرون گردد و در عین حال تضعیف پوتانسیل مقاومت به ضد خارجی ، باید پشتون ها در تقابل و جنگ بایکدیگر (طرفداران حکومت و مخالفین آن) قرار بگیرند .

غنی احمدزی این «پارانویاک» ، بازیگر دیگر درامه انتخابات است. وی با تعیین دوستم به مثابه معاون خود ثابت ساخت که مانند دیگران آماده به قربانی گرفتن ارزشها و اصول برای دستیابی تاج و تخت به کمک خارجی است . غنی از جانب انگریز ها برای جلب مخالفین به پروسه صلح و نهایتاً ایجاد درز در صفوف مقاومت گماشته شده بود. امریکا که محاسبه دقیقی برای ادامه جنگ، رویدست دارد وی را با دوستم (قاتل چار هزار طالب) در پیوند قرار داد تا چانس صلح با مخالفین منتفی شود و سایه ائتلاف با یک جنایت کار «نابغه زمان» را عملاً در حاشیه قرار بدهد. کومیدی انتخابات در صورتی که روی ستیج بیاید میان دو کاندید سرسپرده و تیاری برای ادامه جنگ سازمان خواهد یافت.

دو - صلاحیت قضائی رسیدگی به جرایم سربازان امریکائی

امریکا از گذشته های دور به این سو، خود را از برخی الزاماتی که نظام حقوق بین المللی را شکل می دهد و مانع

تحركات پخپل سر نظامی سربازانش در سطح بین‌المللی می‌شود، کنار کشیده است (به طور مثال امریکا عضویت دیوان جزای بین‌المللی را ندارد و معاهده منع استعمال مین ضد پرسونل را امضاء نکرده است).

امریکا در کشور هائی که حضور نظامی دارد صلاحیت رسیدگی به جرایم جنگی سربازان خود را به کشور میزبان نسپرده است. شماری از افغان ها موجودیت پایگاه های نظامی امریکا را در جهان به‌خصوص در ممالک اسلامی برای افغانستان قابل امتثال می‌دانند، بی‌آن‌که توجه کنند که بخش عمده این پایگاه ها پس از جنگ عمومی دوم برای تقویت پوتانسیل دفاعی کشور میزبان ایجاد شده نه به قصد ادامه جنگ با دشمن واقعی. پایگاه های امریکا در بیرون افغانستان رول وقایه ئی برای تأمین امنیت بازی می‌کنند. به خلاف در افغانستان عساکر امریکا مأموریت جنگی دارند و از پایگاه نظامی خود برای ادامه جنگ آنچه تروریزم نامیده شده استفاده کرده و خواهند کرد. این جنگ مانند گذشته نه میان دولت ها بلکه میان شبکه های استخباراتی خواهد بود و بیشترین فشار آن در محدوده جغرافیای افغانستان (دقیقاً در قلمرو زندگی و اسکان پشتون ها) ادامه خواهد یافت. امریکا آنطوری که نتوانست مقابله با تروریزم را در ماوراء سرحد افغانستان بکشانند در آینده با تقلیل امکانات نظامی ناشی از خروج قواء به صورت قطع جنگ را در همین بستر جغرافیائی حفظ خواهد کرد. از پایگاه نظامی به مثابه افزار استقرار و حفظ حکومت های حرف شنو استفاده خواهد نمود. طیارات درون از سنگر پایگاه کلبه های نیمه مخروبه روستا نشینان را نشانه خواهند گرفت. امریکا نخواهد گذاشت که حکومت تحت الحمایه به آن قوتی دست یابد که مانع خروج عساکر امریکائی (اگر اراده ای باشد) از بارک های نظامی به قصد هجوم و تلاشی به خانه‌های مردم گردد. آنگاه سؤال مصونیت این سربازان مطرح می‌شود. - صلاحیت رسیدگی قضائی به جرایم

بحث روی موضوع مصونیت قضائی قبل از تصمیم در مورد بخشیدن و یا نبخشیدن امتیاز پایگاه به جانب امریکا بی‌هوده است. از قراین چنین بر می‌آید که سؤال اعطای امتیاز پایگاه به شیوه اتوریتر توسط حکومت حل شده و جرگه مشورتی صرفاً در صورت ارتکاب جرم توسط عساکر امریکائی روی صلاحیت قضائی طرف افغانی یا امریکائی بحث می‌کند.

در کشور هائی که در صلح به سر می‌برند و میزبان پایگاه امریکا اند، در صورت ظهور جرم، بیشتر انتقال صلاحیت قضائی به محاکم امریکائی در ساحه جرایم حقوق مدنی (مثلاً تخلف از قانون ترافیک) مطرح است. در افغانستان، مملکت در حال جنگ انتقال صلاحیت از داخل به خارج در هر دو ساحه حقوق مدنی و حقوق جنگ مورد بحث است. درین جا باید به دو نکته توجه کرد:

- تنازع در قوانین. به این معنی که ممکن در مواردی آنچه در قوانین افغانستان جرم پنداشته شود، در نظام حقوقی امریکا جرم شناخته نشود: از سوزانیدن قرآن گرفته الی ازدواج یک عسکر امریکائی با یک پسر بچه افغان طبق قوانین افغانستان مستوجب مجازات است، در حالی که قوانین امریکا از آن زیر پوشش آزادی مذهبی و فردی حمایت می‌کند. - عساکر ناتو و به خصوص امریکا طی دوازده سال جنگ در افغانستان مرتکب جنایات بشمار جنگی شده‌اند. وحشتناک ترین این جنایات قتل در حدود چار هزار اسیر جنگی طالبان در دشت لیلی در حضور و احتمالاً به دستور «رامز فیلد» وزیر دفاع حکومت بوش است. در صورتی که این جنایات بدون پیگرد باقی‌مانده است، چه ضمانتی می‌توان داشت که به جرایم مشابه در آینده رسیدگی صورت بگیرد؟

حکومت هائی که در فقدان حق حاکمیت ملی با دست آویز انتخابات توسط بیگانگان بر مردم افغانستان تحمیل شود، هیچ گاهی توان تعقیب قضائی سربازان خارجی را که با زبر دستی بالای کشور بیدفاع ما حکومت می‌کنند، نخواهند داشت. بناءً اعطای مصونیت قضائی به عساکر امریکائی در شرایط عدم تساوی حقوقی و رابطه حاکم و محکوم، میان دولتین مفهوم صدور فتوای دوام قتل مردم بیگناه افغانستان را افاده می‌کند.

به سلسله اشارات مکرر سالیان گذشته از این جانب بیش از پیش روشن شده است که قصد جنگ دوازده ساله ضد تروریسم (در واقع مقابله به ضد مردم افغانستان) تضعیف پوتانسیل انسانی، جنگی و نهایتاً سیاسی پشتون ها به مثابه محور مقاومت‌های تاریخی در منطقه بود. اسقاط حکومت طالبان را باید دنباله منطقی سرنگونی حاکمیت صدام حسین تلقی کرد. هر دو در چوکات بازنگری جغرافیای منطقه توسط اداره ماجراجوی بوش تنظیم شده بود.

با ملاحظه واقعیت ساختار یک قطبی جهان، اگر امریکا موفق شود که از ثمره تجاوز، جنگ و ویرانگری خود به افغانستان بهره بگیرد به یقین به منبع بزرگ خطر برای امنیت بین‌المللی تبدیل خواهد شد. افغان‌ها می‌توانند از طریق اتخاذ یک تصمیم مبتنی بر تعقل، واقعبینی و منافع ملی در جرگه مشورتی (بی‌هودگی تدویر جرگه به جایش باقی) امریکا را از خطر سقوط به یک هیولای ترس‌آفرین نجات بدهند.

واقعیت این است که اگر قرار باشد که مردم افغانستان منافع ملی خود را با منافع یکی از کشورهای بزرگ جهان گره بزنند، بهتر از امریکا کشور دیگری را نمی‌توان سراغ کرد. به شرطی که امریکا قوانین بین‌المللی را احترام کند. به جنگ شبه استعماری علیه مردم افغانستان پایان دهد. با مقاومت مسلح به مذاکره صلح بنشیند. از سازماندهی توطئه انتخابات برای استمرار تسلط باند های جنایت کار بر مقدرات مردم بگذرد. زمینه استقرار یک حکومت موقتی را برای گذار از حالت جنگ به صلح مساعد بسازد و نهایتاً مناسبات خود را با افغانستان در چوکات موازین قبول شده بین‌المللی جا به جا کند.

افغان‌ها و لو به قیمت دوام جنگ و مقاومت می‌خواهند به امریکا بفهمانند که حکومت خود ساخته مولود تجاوز و مؤتلف با باند های جنایت کاری که به قوت پول، استخبارات و اسلحه خارجی سر پا نگاهداشته شده است، نمی‌تواند طرف معامله با کشور های خارجی روی تعیین مقدرات کشور و مردم باشد

فرانسه ۱۷ نوامبر ۲۰۱۳

دوکتور عثمان تره کی